



موضوعات پیشنهادی برای تشکیل خوشه‌های پژوهشی چندتخصصی

در زمینه علوم انسانی و اجتماعی؛ (فراخوان ۱۴۰۵)

ارائه و راهبری یک خوشه پژوهشی چندتخصصی با ارائه یک طرح پژوهشی ملی یا کاربردی، یا نوآورانه با همکاران داخلی و خارجی متفاوت است. سرپرست خوشه باید با راهبری چند تیم علمی در تخصص‌های مختلف ولی همگرا، بر مبنای پژوهش و به‌کارگیری روش‌های علمی یک خدمت برجسته در حل مسائل کشور را ارائه نماید، یا جبهه‌ای نو و تحول‌آفرین و فرصت‌ساز از پژوهش را در کشور بگشاید.

۱- هویت ملی (National identity)

هویت ملی احساس تعلق فرد به یک جامعه یا آب و خاک است؛ یک حس مشترک که مردم را به وحدت کلی دعوت می‌کند. عواملی که ممکن است در ایجاد و تقویت هویت ملی تأثیر داشته باشند عبارتند از پیوندهای خونی و نژادی، تاریخ ملت، سنت‌ها، آداب و رسوم، زبان و مذهب. هویت ملی از نظر روانشناختی به آگاهی و احساس از تفاوت بین ما و دیگران تلقی می‌شود که می‌تواند به میهن پرستی، غرور ملی و احساسات مثبت به مرز و بوم منجر شود. هویت ملی هنگامی که کشور با دشمن خارجی، اختلافات قومی یا بلایای طبیعی روبرو می‌شود، بسیار اهمیت پیدا می‌کند و معمولاً یکی از عوامل مهم انسجام ملی است.

هویت ملی یک ویژگی ذاتی نیست و یک نظام بر ساخته از روابط اجتماعی است که فرد با اتکا به «نقاط مشترک» در روابط اجتماعی با سایر مردم به آن می‌رسد. به همین دلیل می‌توان آن را تقویت کرد؛ به گونه‌ای که فرد توانایی خود را در شناسایی جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، افزایش دهد و هم به آن جامعه احساس تعلق خاطر و دلبستگی بیشتری داشته باشد. البته افزایش افراطی این تعلق خاطر و دلبستگی ممکن است باعث ایجاد دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز نسبت به جوامع دیگر، در مرحله شدیدتر باعث نژادپرستی و در قالب‌های خیلی شدید آن منجر به نسل‌کشی شود.

عوامل زیادی در تقویت یا تضعیف هویت ملی نقش دارند. از جمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به "تضاد قوم‌گرایی و ملی‌گرایی"، "مهاجرت" و "گسترش تعاملات بین‌المللی" اشاره کرد. وجود چندین گروه قومی در یک کشور ممکن است باعث تضاد میان هویت قومی و هویت ملی شود. در چنین شرایطی، دولت مرکزی باید بصورت آگاهانه و برنامه ریزی شده ضمن تقویت حس ملی‌گرایی، از هویت قومی اقلیت‌ها نیز حمایت کند؛ زیرا اگر در صورت سیاست‌گذاری اشتباه افراد جامعه در حفظ هویت ملی و قومی خود دچار دوگانگی شوند، این تضاد می‌تواند باعث کاهش حس ملی‌گرایی و کم‌رنگ شدن هویت ملی شود. نرخ بالای مهاجرت موضوع دومی است که بر هویت ملی تأثیر قابل توجهی دارد. ورود افراد جدید با فرهنگ، زبان، عقیده و گذشته‌های مختلف به یک کشور، ممکن



است هویت ملی را دستخوش تغییرات اساسی کنند. همچنین است اگر مهاجرت به خارج از کشور با نرخ زیادی اتفاق افتد؛ به ویژه اگر مهاجرین را افراد فرهیخته و نخبه جامعه تشکیل دهند. از جهانی شدن و ارتقای سطح ارتباطات می توان به عنوان سومین عامل مهم در تغییر مفهوم و مصادیق هویت ملی یاد کرد. تعاملات فرهنگی، توسعه جهانگردی و همکاری های تجاری میان جوامع باعث شناخت افراد یک جامعه از فرهنگ، سنن، آداب و رسوم، عقاید و تجارب زیسته دیگر ملت ها می شود. این موضوع می تواند در تعریف فرد از ملت خود و حس تعلق و دلبستگی وی به جامعه ای که در آن متولد شده است، تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد.

جامعه ما از گروه های مختلف اجتماعی با زبان، فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی و پیوندهای خونی مختلفی تشکیل شده است. این ویژگی، یک مزیت بزرگ به حساب می آید که در رشد و بالندگی جامعه تأثیر قابل توجهی دارد. از طرف دیگر کشور ما از نظر جغرافیایی در منطقه ای قرار گرفته است که تهدیدهای زیادی متوجه آن است؛ از تحریک هایی که توسط کشورهای همسایه علیه امنیت ملی و تمامیت ارضی انجام می شود تا موضوع خشکسالی و نزاع های منطقه ای برای دسترسی به آب بیشتر. در چنین شرایطی ارتقای سطح هویت ملی یکی از اقدامات ضروری و فوری به شمار می رود. به همین دلیل، بنیاد ملی علم ایران تصمیم گرفته است که به ایجاد یک خوشه پژوهشی در این زمینه اقدام کند که به این موضوع مهم پردازد و از طریق کمک به فهم بهتر مسئله و پیشنهاد سیاست های مناسب، دولت را در جهت ارتقای هویت ملی یاری دهد. حوزه تمرکز این خوشه تحقیقاتی شامل موارد زیر است ولی محدود به این موارد نمی شود:

- بنیادهای هویت در مقیاس محلی، ملی و جهانی؛
- تضاد میان هویت ملی و هویت قومی؛
- جهانی شدن و هویت ملی؛
- هویت ملی، جهانی شدن، فناوری های ارتباطی و فضای مجازی؛
- تقویت اشکال هویت دینی، ملی و قومی با توجه به تفاوت های اجتماعی، زبانی و فرهنگی کشور؛
- هویت ملی و درس آموزی های تاریخی؛
- هویت ملی، توسعه شهری و منطقه ای و تضاد سنت و مدرنیته در معماری؛
- هویت ملی و هنر (موسیقی، تئاتر، سینما، صنایع دستی و فرهنگی و ...)
- هویت ملی و آموزش های عمومی (آموزش های رسمی، صدا و سیما، شبکه های اجتماعی و ...)
- هویت ملی و خانواده؛
- عوامل و رویدادهای اثرگذار بر هویت ملی و انسجام اجتماعی؛
- راهبردهای برقراری انسجام و وحدت اجتماعی و اقتدار و امنیت ملی؛
- توسعه و بهره برداری از ظرفیت های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشور به ویژه در مناطق محروم و حاشیه ای برای افزایش انسجام و وحدت اجتماعی و اقتدار و امنیت ملی.

۲- اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت

بر اساس تعریف، اعتماد حالتی روانشناختی است که در آن، فرد به دلیل انتظارات مثبتی که از نیت‌ها و رفتارهای دیگران دارد، خود را در موضع آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. اعتماد یکی از مهمترین عناصر پیونددهنده مردم به یکدیگر و به حاکمیت است. اعتماد مردم به حاکمیت به دو بخش اعتماد نهادی و اعتماد سیاسی قابل تقسیم است. اعتماد نهادی شامل اعتماد مردم به سیستم‌ها و نهادهای حاکمیتی است. در حالی که منظور از اعتماد سیاسی اعتماد مردم به بازیگران حکومتی (حکمرانان و سیاست‌مداران) است.

نتایج پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که اعتماد مردم به حاکمیت با پنج معیار شامل اعتماد به شایستگی، اعتماد به خیرخواهی، اعتماد به درستکاری، اعتماد به عدالت و اعتماد به گشودگی (برقراری ارتباط، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی) قابل سنجش است. افزایش اعتماد سیاسی و نهادی، پیامدهای متعددی مانند افزایش رفاه و رشد اقتصادی، ایجاد انسجام و ثبات اجتماعی، افزایش همکاری و مشارکت اجتماعی، ارتقای عملکرد دولت، تسهیل پذیرش و تبعیت از قوانین را به دنبال دارد. در مقابل، کاهش آن باعث احساس نارضایتی و عدم مشارکت مردم در امور اساسی همچون رعایت قوانین و مقررات، پاسداشت محیط زیست و ... و حمایت از برنامه‌های دولت و حاکمیت برای بهبود شرایط، افزایش رفاه اجتماعی و امنیت ملی می‌شود.

عوامل مختلفی بر اعتماد به حاکمیت مؤثرند که در قالب سه دسته به شرح زیر قابل تقسیم‌بندی هستند:

۱. عوامل فردی: ویژگی‌های ذاتی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ترجیحات، انتظارات فرد؛
۲. عوامل اجتماعی: ویژگی‌های جامعه، تجربیات اجتماعی قبلی؛
۳. عوامل نهادی: عملکرد و کیفیت حکمرانی، رضایت از خدمات، تصویر و شهرت حکومت.

با توجه به این دسته‌بندی، به نظر می‌رسد بررسی موضوع اعتماد به حاکمیت می‌باید در سه سطح مورد بررسی قرار گیرد و به همین دلیل همکاری متخصصین و پژوهشگرانی از دیسپلین‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی را طلب می‌کند. به علاوه لازم به ذکر است که اعتماد میان مردم و حاکمیت یک رابطه دو طرفه است و مطالعه این پدیده نیازمند توجه به این رابطه علی است که می‌تواند به یک حلقه تقویت‌شونده تبدیل شود.

پایش انجام شده توسط دفتر افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس با همکاری مرکز بینش‌های رفتاری ایران نشان می‌دهد که میزان اعتماد مردم به حاکمیت در سال‌های اخیر با روند کاهشی مواجه بوده است. این موضوع در بیانات مقام معظم رهبری در نخستین دیدار با دولت سیزدهم هم تأکید شده است: "اعتماد مردم بزرگترین سرمایه دولت است. مردم وقتی به شما اعتماد کردند و امید به شما داشتند، با شما راه می‌آیند و کمک‌تان می‌کنند؛ این بزرگترین سرمایه است برای دولت که بتواند اعتماد مردم را جلب کند که البته این متأسفانه



یک مقداری آسیب دیده و بایستی ترمیم کنید". البته این موضوع مختص کشور ایران نبوده و بر اساس نظر پژوهشگران به یک چالش جهانی تبدیل شده است.

با توجه به اهمیت روزافزون اعتماد میان مردم و حاکمیت و شرایطی که کشور در آن قرار دارد، بنیاد ملی علم ایران تصمیم گرفته است تا به ایجاد یک خوشه پژوهشی در این زمینه اقدام کند که به این موضوع مهم بپردازد و از طریق کمک به فهم بهتر مسئله و پیشنهاد سیاست‌های مناسب، حاکمیت را در جهت ارتقای اعتماد متقابل مردم و حاکمیت یاری دهد. حوزه تمرکز این خوشه تحقیقاتی شامل موارد زیر است ولی محدود به این موارد نمی شود:

- تمایز میان اعتماد و بی‌اعتمادی (بی‌اعتمادی یک سازه مستقل مطرح است)؛
- سهم اعتماد نهادی و اعتماد سیاسی در اعتماد مردم به حاکمیت؛
- نقش عوامل فردی، اجتماعی و نهادی در اعتماد مردم به حاکمیت؛
- رابطه متقابل میان اعتماد مردم و حاکمیت و رابطه علی میان آن‌ها؛
- اعتماد میان مردم و حاکمیت و انسجام و وحدت اجتماعی و اقتدار و امنیت ملی؛
- بررسی ترکیب نیروهای اجتماعی و نقش آن در اعتماد میان مردم و حاکمیت (با تأکید بر نقش فرهیختگان، الیت و سلبریتی‌ها)؛
- اعتماد میان مردم و حاکمیت و درس آموزی‌های تاریخی؛
- اعتماد میان مردم و حاکمیت و تحولات فناورانه (اثرات فناوری در حکمرانی اجتماعی)؛
- اعتماد میان مردم و حاکمیت و آموزش‌های عمومی (آموزش‌های رسمی، صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی و ...)
- راهبردهای ارتقای سطح اعتماد متقابل میان مردم و حاکمیت؛
- ره‌نگاشت کاهش شکاف‌ها و گسل‌های میان مردم و حاکمیت.

۳- مهاجرت

ایجاد خوشه پژوهشی در این حوزه به دو دسته مهاجرت نخبگانی (مهاجرت به خارج) و مهاجرت اتباع بیگانه (مهاجرت به داخل) تقسیم می‌شود:

• مفهوم دقیق مهاجرت	الف. مهاجرت نخبگان
• آسیب و آسیب‌های مهاجرت نخبگان	
• علل و عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان	
• راهکارهای جلوگیری از مهاجرت نخبگان یا کاهش نرخ مهاجرت	
• مهاجرت معکوس	
• فراهم کردن بستر بازگشت نخبگان به کشور	

• راهکارهای مهاجرت معکوس و رهنگاشت افزایش نرخ و سرعت بازگشت	
• مسئله چیست؟	ب. مهاجرت اتباع بیگانه به ایران
• چه تفاوتی میان پناهنده و پناهجو و مهاجر وجود دارد؟	
• آثار و تبعات منفی حضور اتباع بیگانه در ایران؛ اشتغال، بیکاری، بزه‌کاری، نگرانی‌های امنیتی، هزینه‌های آموزش و مسکن و درمان، هویت ملی و فرهنگی، ترکیب نژادی و	
• آثار و تبعات منفی حضور اتباع بیگانه در ایران؛ توسعه اقتصادی، ورود سرمایه، تضارب فرهنگی و ...	
• راهکارهای مقابله با پدیده مهاجرت به داخل کشور یا تعدیل آن و کمبودهای قانونی یا فرایندی	
• مشکلات نسل دوم مهاجرین	

۴- خانواده محور توسعه پایدار

در این حوزه تشکیل خوشه‌های پژوهشی در موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

• مفهوم خانواده در عصر حاضر و آینده
• نقش خانواده در جامعه (بلوغ اجتماعی)
• خانواده و آموزش و تربیت (رشد اجتماعی)
• خانواده و توسعه پایدار
• خانواده و فرهنگ، دین، آداب و رسوم، مذهب و
• خانواده و آسیب‌های اجتماعی
• خانواده و ارتباط‌های مجازی
• فرزندآوری
• پیری جامعه و اتصال اعضای خانواده
• خانواده و مهاجرت



۵- آسیب‌های اجتماعی

ایجاد خوشه پژوهشی در دو دسته سویه منفی و سویه مثبت و تقابل و رابطه بین دو سویه پیشنهاد می‌گردد:

جرم	بزه کاری	تمرد از قوانین	اختلاس	ارتشا	رفتار خشن
توهم	مسئولیت ناپذیری (تعهد گریزی)	لمپنیسم	نفاق	عوام زدگی	
فرصت طلبی ؛ هدف وسیله را توجیه می‌کند، منافع شخصی بر منافع عمومی ارجح است.					



عقلانیت	واقع گرایی	اخلاق مداری (تقوای عملی)	اخلاص	از خود گذشتگی	میهن پرستی
هم نوع دوستی	توجه به محیط زیست	نخبه گرایی واقعی	مسئولیت پذیری	تعهد به کار و اجتماع	تفکر
عمل و مدارا					